



# دستور خط فارسی

محب  
فریضه همان زبان داده فارسی

(P)

جمهوری اسلامی ایران

فرنگستانه باهن ادب فارسی

# دستور خط فارسی

مصوب

فرنگستانه باهن ادب فارسی

## فهرست

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۱۶

۱	مقدمه
۹	قواعد کلی
۹	۱. حفظ چهره خط فارسی
۹	۲. حفظ استقلال خط
۹	۳. تطابق مکتوب و ملفوظ
۱۰	۴. فرآگیریدن قاعده
۱۰	۵. سهولت نوشتن و خواندن
۱۰	۶. سهولت آموزش قواعد
۱۰	۷. فاصله گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست خوانی
۱۱	ویژگیهای خط فارسی
۱۶	جدول ۱. نشانه‌های خط فارسی (نشانه‌های اصلی)
۲۰	جدول ۲. نشانه‌های خط فارسی (نشانه‌های ثانوی)
۲۱	املای بعضی از واژه‌ها و پیشوندها و پسوندها
۲۱	ای (حرف ندا)؛ ۲۱؛ این، آن؛ ۲۱؛ همین، همان؛ ۲۱؛ هیچ؛ ۲۱؛ چه؛ ۲۱
۲۲	را؛ ۲۲؛ که؛ ۲۲؛ این؛ ۲۲؛ به؛ ۲۲؛ با؛ زیست، نون؛ نفی؛ میم نهی؛ ۲۲
۲۲	بی؛ ۲۲ و ۲۳؛ می و هم؛ ۲۳؛ هم؛ ۲۳؛ تر و ترین؛ ۲۳؛ ها (نشانه جمع)؛ ۲۳ و ۲۳
۲۵	مجموعه ام، ای، است، ...

دستور خط فارسی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)

چاپ نهم: ۱۳۸۹

لینوگرافی و چاپ: تماد

شارکان: ۵۰۰۰ تاخه

قیمت: ۶۰۰۰ ریال

وبگاه: www.persianacademy.ir

حتی چاپ محفوظ است.

فهرست‌نویس پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی:

دستور خط فارسی / مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. - تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)، ۱۳۸۱، چاپ دوم، ۱۳۸۳، چاپ سوم و چهارم، ۱۳۸۴.

چاپ پنجم، ۱۳۸۵، چاپ ششم، ۱۳۸۶، چاپ هفتم، ۱۳۸۷، چاپ هشتم، ۱۳۸۸، ۵۸ ص.

- (فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۱۶)

شابک: ۱۳-۳-۹۶۴-۷۵۳۱-۱۳-۳ ISBN: 964-7531-13-3

فهرست‌نویس براساس اطلاعات فیبا.

۱. خط فارسی. ۲. خط فارسی -- نغیر. ۳. فارسی -- املاء.

۵ د ۴ ف / PIR ۲۷۲۱

کتابخانه ملی ایران

۸۴ - ۱۱۲۵۴



### مقدمه

خط چهره مكتوب زيان است و همانگونه که زيان از مجموعة اصول و قواعدی به نام «دستور زيان» پيروی می‌کند، خط نيز باید پيرو اصول و ضوابطی باشد که ما مجموع آن اصول و ضوابط را «دستور خط» نامیده‌ایم. خط فارسي، به موجب اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوري اسلامي ايران، خط رسمي کشور ماست و كلية استاد رسمي و مکاتبات و کتابهای درسي باید به اين خط نوشته شود و طبعاً چنین خطی باید قواعد و ضوابطی معلوم و مدؤن داشته باشد تا همگان، با رعایت آنها، هوت خط را ثبیت کنند و محفوظ دارند. تدوین مجموعة قواعد و ضوابط خط فارسي، مخصوصاً در سالهای اخیر که استفاده از راياني در عرصه خط و زيان روزافزون شده و حروف نگاري و صفحه آرایي و ويرايش و تنومنه خوانی و تهیه نمایه و کارهای بسیار دیگری در حوزه نگارش و چاپ بر عهده راياني قرار گرفته و درنتیجه دایره شاغلان به امر چاپ و تکثیر از حلقة متخصصان سنتي اين فن بسی فراتر رفته و گستردگر شده، ضرورت و اهمیت پيشتری پيدا کرده است، چنان که نگرانی از خطر بروز تشتبه و إعمال سلیقه‌های مختلف و متضاد نيز نسبت به گذشته افزایش یافته است.

در باب دستور خط فارسي، همواره اختلاف سلیقه و مشرب وجود داشته است؛ بعضی طرفدار بازگذاشتند دست نویسنده در انتخاب شیوه نگارش بوده و حداکثر جواز و رخصت را تجویز می‌کرده‌اند و بعضی دیگر، بر عکس، گرايش به وضع قوانيني عام و قطعي و تخلص ناپذير

۲۶	ضمایر ملکی و مفعولی
۲۷	یای نکره و مصدری و نسبی
۲۸	کسره اضافه
۲۹	نشانه همزه
۳۰	همزة میانی
۳۱	همزة پایانی
۳۲	جدول ۳. راهنمای کتابت همزه
۳۵	واژه‌ها و تركيبات و هبارات مأخوذه از عربی
۳۶	۳۵-و-۳۶ الف کوتاه
۳۷	تونین، تشديد، حرکت‌گذاري، هجای میانی ۴-و-۴
۳۹	تركيبات
۴۰	الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شود
۴۱	ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شود
۴۴	واژه‌هایی با چند صورت املایی
۴۴	فهرست واژه‌های دارای دو یا چند صورت املایی با ضبط مختار
۵۱	فهرست آعلام دارای دو یا چند صورت املایی با ضبط مختار

## دستور خط فارسی ۳

بود که در تدوین و تصویب مجموعه قواعد و ضوابط خط فارسی، از افزودن حرف و علامت جدید به مجموعه حروف و علامت موجود خط فارسی پرهیز کند، همانگونه که در ضمن نخستین اصل از قواعد کلی دستور خط مذکور در این دفتر آمده است، سعی کرد تا چهره خط فارسی حفظ شود. این اعتدال و احتیاط از آن جهت ضروری دانسته شد که، به اعتقاد اعضای فرهنگستان، خط اصولاً طبیعت و ماهیتی دارد بسی پیچیده‌تر از علامت علمی مانند ریاضیات، و توقع قانونمندی مطلق و قاطع از خط داشتن و راه را بر هرگونه استنباط و سلیقه بستن با این طبیعت ناسازگار است. علاوه بر این، فرهنگستان در بررسی و تصویب قواعد و ضوابط خط فارسی، معتقد بوده است که ثبت قواعد متعارف و کمایش مرسوم خط فارسی، در اوضاع و احوال فعلی، ضروری‌تر و سودمندتر است از واردکردن حرف و علامتی جدید که ممکن است، با برانگیختن عقاید موافق و مخالف و صفات‌آرایی و جبهه‌گیری، به اصل مقصد، که همانا ثبت آن قواعد است، لطمہ جدی وارد کند.

فرهنگستان در پی آن بود که تا سرحد امکان خط فارسی را قانونمند و قاعده‌پذیر سازد تا از آشفتگی و هرج و مرچ چلوگیری شود؛ اما از توجه به طبیعت خط به طور کلی و به ویژه طبیعت خط فارسی و نیز ذوق و سلیقه و پسند اهل فن غفلت نکرد و هرجا اعمال قانون را موجب پدیدآمدن فهرست بالابندی از استثنای دید، از تصویب و تجویز آن خودداری کرد و، با رعایت انعطاف، میدان را برای ذوق و سلیقه بازگذاشت.

پس از آنکه با بررسی‌های طولانی، اصلاحات لازم در پیشنهاد کمیسیون اویله اعمال شد، مجموعه قواعد و ضوابط، پیش از تصویب نهایی، به صورت پیشنهاد در دفتری به نام «دستور خط فارسی»<sup>\*</sup> منتشر گردید و به حضور استادان و صاحب‌نظران و معلمان و نویسندهان

علی اشرف صادقی، دکتر حمید فرزام، سرکار خانم دکتر بدرازمان فریب (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸ تا ۷۷/۴/۲۰)، دکتر مهدی محقق، دکتر حسین معصومی همدانی ( فقط ۱ جلسه)، مرحوم دکتر مصطفی مقری (۵۰ جلسه)، استاد ابوالحسن نجفی. همچنین آقایان دکتر جواد حدیدی (نا جلسه ۱۴۴ مورخ ۷۷/۴/۸) و دکتر حسین داویدی و مرحوم دکتر جعفر شمار نیز به عنوان صاحب‌نظر در این جلسات حضور داشتند.

\* آقای دکتر سلیم نیساری قبل اکتابی با همین عنوان به طبع رسانده‌اند: دستور خط فارسی، تهران، ۱۳۷۴ در آخرین بازنگری این دفتر (۱۳۸۴) از نظریات آقای دکتر سلیم نیساری نیز بهره گرفته شد. (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه دستور)

## دستور خط فارسی ۲

داشته و آرزو می‌کرده‌اند که در عالم خط و کتابت نیز قوانینی شبیه قوانین حاکم بر علامت ریاضیات حاکم باشد. از جهتی دیگر، برخی از اهل فن معايب و مشکلات موجود را در خط فارسی تا آن اندازه فراوان و جدی دانسته‌اند که رفع آنها را جز با افزودن و در کارآوردن حروف و علامت جدید می‌سر نمی‌شمردند و گروهی دیگر کمترین تحول و تبدیلی در خط فعلی پذیرفته و آن را به زیان زیان می‌دانسته‌اند.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران، به حکم وظیفه‌ای که بر حسب اساسنامه خود در پاسداری از زبان و خط فارسی بر عهده دارد، از همان نخستین سالهای تأسیس، در صدد گردآوری مجموع قواعد و ضوابط خط فارسی و بازنگری و تنظیم و تدوین و تصویب آنها برآمد و در این کار راه میانه را برگزید و کوشید تا در تدوین «دستور خط فارسی» اعدال را رعایت کند. نخستین بار، در سال ۱۳۷۲، به ابتکار جناب آقای دکتر حسن حبیبی، ریاست وقت فرهنگستان، کمیسیونی به مدیریت دکتر علی اشرف صادقی و سپس استاد احمد سمعی، از اعضای پیوسته فرهنگستان، تشکیل شد.<sup>۱</sup> این کمیسیون، با تشکیل جلسات متعدد، دستور خط پیشنهادی خود را به شورای فرهنگستان تسلیم کرد و شورا با دقت و کندوکاو و جدیت بسیار، طی ۵۹ جلسه، آن را مورد بحث و بررسی قرار داد.<sup>۲</sup> نظر شورا همواره بر آن

۱. اعضا این کمیسیون عبارت بودند از آقایان دکتر محمد رضا باطنی (۱۶ جلسه)، از ۷۲/۲/۲۰ تا ۷۲/۶/۲۰، دکتر جواد حدیدی، دکتر علی محمد حق شناس، دکتر حسین داویدی، استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمعی (گیلانی)، مرحوم دکتر جعفر شعار، دکتر علی اشرف صادقی (که تا جلسه مورخ ۲۸ دی ۱۳۷۲ شرکت داشتند و پس از آن به علت مسافت برای استفاده از فرست مطالعاتی در جلسه شرکت نکردند)، مرحوم دکتر مصطفی مقری و استاد ابوالحسن نجفی.

۲. دستور خط فارسی در شورای فرهنگستان در دو شور مورد بحث و بررسی قرار گرفت. شور اول جمعاً در ۴۱ جلسه (از ۷۴/۷/۳ تا ۷۶/۹/۳) و شور دوم در ۱۸ جلسه (از ۷۷/۲/۲۸ تا ۷۷/۹/۱۶) صورت گرفت. اعضا شورا در این جلسات عبارت بودند از: مرحوم استاد احمد آرام ( فقط ۸ جلسه)، استاد عبدالمحمّد آیتی، دکتر نصرالله پور جوادی، مرحوم دکتر احمد تقاضی (۲۵ جلسه)، دکتر حسن حبیبی، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر جواد حدیدی (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸ تا ۷۷/۴/۲۰)، استاد بهاء الدین خوشابی، دکتر محمد خوانساری، دکتر علی رواقی، دکتر بهمن سرکارانی، استاد اسماعیل سعادت (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸ تا ۷۷/۴/۲۰)، استاد احمد سمعی، دکتر

## دستور خط فارسی ۵

## ۴ دستور خط فارسی

- قاعده یا قواعدی وضع کنند.
۲. در دهه‌های اخیر، بیشترین اختلاف نظر در باب شیوه‌املاک کلمات فارسی بر سر موضوع جدانویسی و یا پیوسته‌نویسی کلمات مرکب بوده است. فرهنگستان، چنان‌که گفته شد، در این باب راه میانه را برگزیده و کوشیده است تا فقط مواردی را که جدانوشن و یا پیوسته‌نوشن آنها الزامی است، تحت قاعده و ضابطه درآورد و شیوه نگارش باقی کلمات مرکب را به ذوق و سلیقه نویسنده‌گان واگذار کند.
۳. همه مسائل و مشکلات خط فارسی در این دفتر مطرح نشده و آینمندکردن اموری از قبیل نشانه‌گذاری یا سجاوندی و شیوه ضبط کلمات خارجی با خط فارسی و یا آوانویسی کلمات فارسی به خط خارجی در این مجموعه قواعد مورد نظر نبوده است.
۴. شعر فارسی همه‌جا از قواعد و ضوابط عمومی دستور خط فارسی پیروی نمی‌کند، گهگاه به ضرورت، از قواعد دیگری پیروی می‌کند. این دستور خط نه برای شعر فارسی، بلکه برای نشر فارسی تدوین و تنظیم شده است؛ بنابراین، در آینده می‌توان آن را با ضمیمه‌ای متناسب با شعر فارسی تکمیل کرد.
۵. سلیقه‌های خاص خطاطان، که از دیرباز در عرصه هنر خوشنویسی در نگارش خط فارسی مرسوم و معمول بوده، از دایره بحث و بررسی بیرون نهاده شده است.
۶. در بیان قواعد، چنان‌که در تدوین متون قانونی مرسوم و متداول است، از ذکر علت خودداری شده، اما در بیان موارد استثناء، سعی شده است تا علت استثنای بیان شود.
۷. برای روشن‌ترشدن مفاد قواعد، در ذیل هر قاعده شواهدی ذکر شده است. در مواردی که برای قاعده استثنایی مقرر گشته، فهرست بسته تمام موارد استثنایی به دست داده شده و یا خود استثنای به صورت قاعده درآمده است.
۸. هرجا قاعده‌ای ذکر شده است، آن قاعده معمولاً با افزوده شدن اجزائی مانند «یای نسبت» و یا «های بیان حرکت» (های غیرملفوظ) به آخر کلمه و، در نتیجه طولانی ترشدن املای کلمه، تغییر نمی‌کند. مثلاً اگر در نوشتن «همکار» به سبب تک‌هنجایی بودن جزو دوم کلمه، حکم به

و عموم کسانی تقدیم شد که با شیوه نگارش و املای خط فارسی سروکار دارند تا با ملاحظه آن، رأی و نظر خود را اعلام کنند و اگر در آن نقص یا خطای می‌بینند مذکور شوند. بسیاری از مؤسسات علمی و صاحب‌نظرانی که آن متن پیشنهادی را دریافت کرده بودند از سر لطف در آن تأمل کردند و با ارسال آراء خود فرهنگستان را در تهذیب و تکمیل این قواعد و ضوابط یاری نمودند. در پایان مهلت مقرر، آراء رسیده، که بعضی متنضم اظهارنظرهای کلی و بعضی مشتمل بر جرح و تعديل و نقید قواعد و ضوابط بود، برحسب نظم موجود در متن پیشنهادی، تفکیک شد و یکجا در مجموعه‌ای نسبتاً مفصل در اختیار اعضای شورای فرهنگستان قرار گرفت. شورا بار دیگر بررسی دستور خط فارسی را در دستور کار خود قرار داد و با ملاحظه همه اظهارنظرهای صاحب‌نظران و نیز اعضای پیوسته فرهنگستان، طی ده جلسه به بازنگری در متن پیشنهادی اولیه پرداخت و سرانجام «دستور خط فارسی» را در جلسه دولیست و یازدهم خود در تاریخ ۳۰/۴/۸۰ تصویب کرد و آن را برای تأیید و تنفيذ به حضور ریاست محترم جمهور و ریاست عالیه فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران تقدیم کرد.

در این مقدمه، توجه خوانندگان را، پیش از آنکه به قواعد خط فارسی مذکور در این دفتر نظر کنند، به چند نکته جلب می‌کنیم:

۱. این مجموعه، در وهله اول، نه برای متخصصان زبان و ادبیات فارسی و زبان‌شناسان بلکه برای مخاطبانی نوشته شده است که با زبان فارسی در حد عموم باسواند و تحصیل کرده‌گان جامعه ما آشنایی دارند. به همین‌جهت، در نگارش آن سعی شده است تا از استعمال اصطلاحات و تعاریفی خودداری شود که فهم آنها تنها برای متخصصان میسر باشد و حتی الامکان از زبانی استفاده شود که برای عامّه باسواند به آسانی قابل درک باشد. همین امر ممکن است ناگزیر سبب شده باشد که گاهی از دقت مطلب کاسته شود و چون سهولت استفاده از قواعد و پرهیز از سنتگینی و گران‌باری مطالب اهمیت داشته است، از وضع قاعده برای بعضی از موارد استثنای خودداری شود، هرچند ممکن است متخصصان بتوانند در ضمن مباحث علمی خود با موشکافی برای آن استثنای نیز

## ۶ دستور خط فارسی ۷

می‌کند. از آقای دکتر حسین داوودی و خانم زهرا زندی مقدم نیز که در تکمیل و تنظیم این مجموعه تلاش کرده‌اند سپاسگزار است و یاد استادان درگذشته مرحوم دکتر مصطفی مقری و مرحوم دکتر جعفر شعار را گرامی می‌دارد.<sup>\*</sup>

امید است انتشار «دستور خط فارسی» انتظار همه کسانی را برآورد که خواهان آینمندی و انضباط بیشتر خط فارسی‌اند و گامی در راه استواری پایه‌های زبان و خط فارسی محسوب شود.

غلامعلی حداد عادل

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

\* از آقایان دکتر حسین واثق (از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پژوهشی)، حسین موتفق (از دانشگاه صنعتی اصفهان)، موسی صدیقی (از وزارت ارشاد)، مهدی میرجاویری، صالح آزاده‌دل و م.ی. قطبی که با اظهار نظر کلی دربار خط فارسی فرهنگستان را پاری کرده‌اند سپاسگزاری من شود.

## ۶ دستور خط فارسی

اتصال دوجزه «هم» و «کار» داده شده است، این حکم با افزوده شدن «ای» در کلمه «همکاری» نیز اعمال می‌شود.

۹. سعی شده است که «دستور خط فارسی» با جدولهای متعدد و مفصلی همراه گردد تا دستیابی استفاده‌کنندگان به همه موارد آسان‌تر و سریع‌تر شود.

فرهنگستان از همه کسانی که با ملاحظه متن پیشنهادی او لیه درباره آن اظهار نظر کرده‌اند تشکر می‌کند و به ویژه از مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، که نکته‌هایی دربار دستور خط فارسی متذکر شده‌اند سپاسگزار است.

همچنین از گروهی از استادان دانشگاه‌های اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی تهران، رشت، خمینی شهر و دهاقان که نظر خود را بدون ذکر نام ارسال کرده‌اند و نیز از آقایان و خانمها دکتر محمد‌مهدی رکنی و دکتر مهدی مشکوک‌الدینی (از دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر غلامحسین غلامحسین‌زاده (از دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر کتابون مزدابور و دکتر ایران کلباسی (از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر علی‌اکبر ترابی (از دانشگاه صنعتی سهند تبریز)، دکتر بهروز ثروتیان و دکتر مصطفی ذاکری، دکتر رحمان مشتاق‌مهر (از دانشگاه تربیت معلم تبریز)، دکتر مرتضی کاخی (از انتشارات امیرکبیر)، مهندس احمد منصوری (از انتشارات فرهنگان)، سرتیپ غلام‌رضاء زندیان (از دفتر واژه‌گزینی نیروهای مسلح)، محمد‌درضا زرسنج (از آموزش و پرورش استان فارس)، علی شریفی (از دفتر مجلات و نشر شاهد)، علی مصریان و محمد‌درضا طاهرزاده و جاوید جهانشاهی و ناصر داور و عباس معارفی و بتول کرباسی و از استادان دکتر جلال متینی (مقیم ایالات متحده آمریکا)، دکتر کاظم ابهری (مقیم استرالیا) و سید مصطفی هاشمیان (مقیم بلژیک) که با ارسال نقد و نظر خود در تدوین این مجموعه سهیم بوده‌اند تشکر می‌کند.

فرهنگستان در تدوین این مجموعه و امداد همه کسانی است که در دهه‌های گذشته و سالهای اخیر در این باب تلاش کرده‌اند و مخصوصاً از استادان احمد سمعی (گیلانی) و ابوالحسن نجفی، از اعضای پیوسته فرهنگستان، که در تألیف این دفتر سهمی عمدۀ بر عهده داشته‌اند تشکر

## باسم‌ تعالی

با استقبالی که از کتاب دستور خط فارسی، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی شد، این کتاب در مدتی به نسبت کوتاه به چاپ چهارم رسید. مزیت این چاپ بر چاپهای قبلی آن است که برخی از اظهارنظرهای رسیده در فاصله چاپ دوم تا چاپ حاضر دیگریار مورد بحث و بررسی گروه دستور فرهنگستان قرار گرفت و نتیجه بررسی در ماههای نخستین سال ۱۳۸۴ در شورای فرهنگستان مطرح گردید و براساس آخرین نظریات اعضای شورا در متن قبلی تجدیدنظر شد و برخی اصلاحات جزئی که موجب روشن‌ترشدن قواعد می‌شد در متن حاضر جانشین توضیحات پیشین گردید.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی لازم می‌داند که بار دیگر از همه صاحب‌نظرانی که وی را در به انجام رسانند این امر مهم یاری کرده‌اند سپاسگزاری کند. امید است که این دستور خط با پیگیری دستگاههای دولتی دارای انتشارات، و بهویژه با عنایت و نظارت کامل وزارت آموزش و پرورش، که بیشترین متون درسی را همه‌ساله در اختیار دانش‌آموزان تا پایان دوره دبیرستان قرار می‌دهد و نیز ناشران دولتی کتابهای درسی و تحقیقی مربوط به آموزش عالی، در ظرف مدتی کوتاه به صورت دستور خطی در امید که همگان، به خصوص دانش‌آموزان و دانشجویان را، که نویسندهان و فرهیختگان و دانشمندان سالهای آینده‌اند از تاهمه‌انگی‌های کنوی در زمینه دستور خط فارسی رهایی بخشد. بی‌شك حتی در کارهایی که جنبه «باید و نباید»ی دارد نیز می‌توان در موارد لازم تجدیدنظر کرد. اما بدین‌بهانه نباید تدوین قواعد را به عهده تعریق افکند. درواقع باید از تیجه‌های استقبال کرد که حداقل برای مدتی معین راهگشاست. دستور خط فارسی واحد، سبب می‌شود بتوان از قابلیت‌های رایانه‌ای برای ایجاد کتابخانه‌های گسترده‌رقومی (دیجیتالی) بهره گرفت و همین امر به تنهایی برای اثبات لزوم و ضرورت پذیرش یک شیوه واحد کفايت می‌کند و فرهنگستان امیدوار است که از یاری همگان در رواج کامل این «دستور خط» بهره‌مند گردد.

حسن حبیبی

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

## ۳. تطابق مكتوب و ملفوظ

کوشش می‌شود که مكتوب، تا آنجا که خصوصیات خط فارسی راه دهد، با ملفوظ مطابقت داشته باشد.

## ۱۰ دستور خط فارسی

### ۴. فراگیری‌دن قاعده

کوشش می‌شود که قواعد املا به گونه‌ای تدوین شود که استثنای در آن راه نیابد، مگر آنکه استثنای خود قانونمند باشد و یا استثنایها فهرست محدود تشکیل دهد.

### ۵. سهولت نوشتن و خواندن

قاعده باید به گونه‌ای تنظیم شود که پیروی از آن کار نوشتن و خواندن را آسان‌تر سازد، یعنی تا آنجا که ممکن است، رعایت قواعد وابسته به معنا و قرینه نباشد.

### ۶. سهولت آموزش قواعد

قواعد باید به صورتی تنظیم شود که آموختن و به کاربردن آنها تا حدّامکان برای عamee باسواندن آسان باشد.

### ۷. فاصله‌گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست‌خوانی

فاصله‌گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب<sup>۱</sup>، امری ضروری است که اگر رعایت نشود طبعاً سبب بدخوانی و ابهام معنایی می‌شود. در نوشتتهای فارسی دونوع فاصله وجود دارد: یکی فاصله «برون‌کلمه» یعنی فاصله‌گذاری میان کلمه‌های یک جمله یا عبارت، مانند «یکی از صاحبدلان سر به چیز مراقبت فرو برد بود» (این فاصله در ماشین تحریر و رایانه «فاصله یک‌حرفی» خوانده می‌شود) و دیگری فاصله «درون‌کلمه» که معمولاً میان اجزای ترکیب و اغلب در حروف منفصل می‌گذارند: ورود، آزادمرد، خردورزی، پردرآمد (این فاصله در تداول نیم‌فاصله خوانده می‌شود). رعایت این نیم‌فاصله به‌ویژه در دست‌نوشته‌ها دشوار است و از این‌رو اختیاری است و می‌توان ابهام تلفظی را در ترکیب‌های مانند خردورزی با حرکت‌گذاری برطرف کرد.

۱. مرکب یا ترکیب به معنای اعم کلمه گرفته شده است و شامل کلمه‌های مانند کتابخانه، داروخانه، گلاب، داشجو، داشپرور، خردورزی، تورمزا، غذاخوری، همدلی، ارجمند، بررسی، بازگویی، کتابچه، دفترچه می‌شود.

## ویژگیهای خط فارسی

خط فارسی دارای ویژگیهایی است. این ویژگیها و مثالهای هریک در زیر مشخص شده است:

- الف) برای بعضی از صداها بیش از یک علامت وجود دارد:  
ت (در تار، چتر، دست، سوت)، ط (در طاهر، خطر، ضبط، شرط)؛  
ز (در زن، بزم، تیز، باز)، ذ (در ذرت، غذاء، کاغذ، نفوذ)، ض (در ضرب،  
حضرت، تبعیض، فرض)، ظ (در ظاهر، نظر، حفظ، حفاظ)؛  
ث (در ثبت، مثل، عبث، حادث)، س (در سبد، پسر، نفس، خروس)،  
ص (در صبر، نصر، تفحص، حرص)؛  
غ (در غالب، مغز، تیغ، باغ)، ق (در قالب، فقیر، حلق، برق)؛  
همزه (در اسم، اسب، آرد، مأخذ، قرآن، رأس، یأس، رویا، لقم، رئیس،  
لیم، متلائم، جزء)، ع (در علم، رعد، وضع)؛  
ح (در حاکم، سحر، شبح، روح)، ه (در هاشم، شهر، فقه، دانشگاه)

۱. آنچه درباره تلفظ حروف در اینجا آمده مطابق با زبان معيار رايح در تهران است. در نواحي مختلف ايران میان تلفظ بعضی از حروف فرق می‌گذارند که در اینجا نیازی به ذکر آن نیست.

## دستور خط فارسی ۱۳

در بیشتر موارد، از سیاق عبارت یا معنای جمله باید تلفظ مورد نظر را حدس زد:

برد (بُرَد) این تفنج ۱۰۰۰ متر است.  
این کارد خوب نمی‌برد (بُرَد).

در فصل ریبع ... که صولت برد (بَزْد) آرمیده بود و او ان دولت وزد رسیده  
(سعدي)

در بعضی موارد، به کارنگرفتن نشانه این مصوّتها در خط باعث ابهام یا اشتباه می‌شود، بهخصوص در مواردی مثل آعلام و کلماتِ دخیل فرنگی و لغات مهجور که تلفظِ صحیح آنها برای عامهٔ خوانندگان روشن نیست. در چنین مواردی صورت نوشتاری حتماً باید بسیار روشن و خواناً و با حرکت‌گذاری باشد:  
سارتر (sartre)، بیکت (Beckett)، کینت (Kenneth)، سیر / سیتر / سیتر؛ دیر / دیر؛ غیبد / غیبد.

ه) در خط فارسی غالباً یک حرف به دو یا چند صورت نوشته می‌شود و این بستگی به جایگاه آن حرف در کلمه دارد:

آ / ئ / ه

ب / ب / ب / ب؛ پ / پ / پ / پ؛ ه / ه / ه / ه  
ج / ج / ج / ج؛ چ / چ / چ / چ؛ ح / ح / ح / ح؛ خ / خ / خ / خ  
س / س / س / س؛ ش / ش / ش / ش  
ص / ص / ص / ص؛ ض / ض / ض / ض  
غ / غ / غ / غ؛ خ / خ / خ / غ  
ذ / ذ / ذ / ذ؛ ق / ق / ق / ق  
گ / گ / گ / گ؛ گ / گ / گ / گ  
ل / ل / ل / ل  
م / م / م / م  
ن / ن / ن / ن  
ه / ه / ه / ه

## دستور خط فارسی ۱۲

- (در اسم و نامه)
- ـ (در اسب و نه)
- ـ (در بُلند و رُوز)

ب) بعضی حروف نمایندهٔ بیش از یک صدا هستند:  
و مثل دو (عدد)، چو

مور، روز، لیمو، دارو  
وام، جواب، روان، ناو، لغو  
جوشن، روشن، نو، رهرو  
خواهر، خویش  
ی مثل یار، پیدا، نای  
میز، ریز، پری

موسی، حتی، علی رغم  
ه مثل هوا، مهر، مشابه، دانشگاه  
نامه، دره

ج) «و»، اگر پس از «خ» قرار گیرد، گاهی خوانده نمی‌شود، چنان‌که در واژه‌های زیر:

خوان، خویش، خواهر  
این «و» که آن را «واو معدوله» می‌گویند، در قدیم تلفظ خاصی داشته است که امروزه دیگر متداول نیست.

د) مصوّتهاي ـ، ـ، ـ معمولاً در خط منعکس نمی‌شود و به همین سبب،  
بسیاری از کلمات با املای مشابه، تلفظ و معنای متفاوت دارند:

برد: بَرَد، بُرَد، بَرَد، بُرَد

## دستور خط فارسی ۱۵

ی) در خط فارسی دو دسته نشانه به کار می‌رود: ۱. نشانه‌های اصلی ۲. نشانه‌های ثانوی.

نشانه‌های اصلی مرکب از ۳۳ نشانه است که به آنها حروف الفبا می‌گوییم.  
بعضی از حروف به تهایی نماینده بیش از یک صدادست (مانند «و») و بعضی دیگر مجموعاً نماینده یک صدا (مانند ث، س، ص).

نشانه‌های ثانوی مرکب از ۱۰ نشانه است که در بالا یا پایین نشانه‌های اصلی قرار می‌گیرد و در هنگام ضرورت به کار می‌رود.

فهرست کامل نشانه‌های خط فارسی، همراه با مثال، در صفحات بعد در ضمن دو جدول آمده است. یادآوری می‌شود که این حروف برای خط چاپی است. الفای خط تحریری و نتعلق تنوی بیشتری دارد.

## دستور خط فارسی ۱۴

## ی/سی/ای

و) حروف فارسی دو دسته است:

۱. منفصل (پیوندنایپذیر) که به حرف بعد از خود نمی‌چسبد (ا، د، ذ، ر، ظ، و).
۲. متصل (پیوندپذیر) که به حرف بعد از خود می‌چسبد.

ز) علاوه بر حروف، در خط فارسی نشانه‌های دیگری به شرح زیر وجود دارد:

۱. حرکات یا مصوت‌های کوتاه (ـ، ـ، ـ)، مانند پـ، پـ، پـ
۲. مـد (ـ) روی الف، مانند آـد، مـاخـد
۳. تشدید (ـ)، مانند عـدـه، پـله، بـقـالـی، آـهـه
۴. سکون (ـ)، مانند لـبـتـشـنـه
۵. یـایـ کـوـتـاهـ (ـ)، مـانـدـ نـاـمـهـ منـ
۶. تنوین (ـ، ـ، ـ)، مـانـدـ ظـاهـرـ، بـعـارـةـ آـخـرـ، مـضـافـ الـهـ

ح) در املای کلمات و ترکیبات و عبارات عربی، که عیناً وارد زبان فارسی شده است، در بعضی موارد، قواعد املای عربی رعایت می‌شود:  
موسی، بالقوه، خلق الساعه، حتی، إلى

ط) دو حرف «و» و «ه» گاهی برای بیان حرکت به کار می‌رود.

و اگر برای بیان حرکت ماقبل خود به کار رود سه نوع است:

۱. مصوّت کوتاه، مانند دـ، توـ، چـوـ
  ۲. مصوّت مرکب، مانند اوـجـ، گـوـهـ، روـشـ، نـوـ (مثلاً در نوروز)
  ۳. مصوّت بلند، مانند مـورـ، رـوزـ، موـشـ، سـبـوـ، ليـموـ، تـكاـپـوـ
- هـ برای بیان حرکت (ـ) و ندرتاً (ــ) به کار می‌رود:  
شماره، نامه، خانه، نه

نام شماره نثناه	آخر	وسط	اول	نام شماره نثناه
که نه به حرف قل و نه به حرف بعد پیشید	که فقط به حرف قل و پیشید	که هم به حرف قل و هم به حرف بعد پیشید	که فقط به حرف بعد پیشید	که هم به حرف بعد پیشید
ج موج	ج رنج	ج مجلس	ج جان، مواجب	جیم ۷
ج برج	ج ج	ج پامجال	چ چشم، کوچه	ج ۸
ح روح	ح صبح	ح محل	ح حال، رحم	ح ۹
خ شاخ	خ نخ	خ سخن	خ حال، ناخن	خ ۱۰
د دست، آدم	د صف	-	-	دال ۱۱
ذ ذرت، نفوذ	ذ بذل	-	-	ذال ۱۲
ر رنگ، سوار	ر سرد	-	-	ر ۱۳
ز زنگ، نیاز	ز مزد	-	-	ز ۱۴
ژ ژاله، دژ	ژ مزده	-	-	ژ ۱۵
س داس	س میس	س مست	س سیب، آسیب	سین ۱۶
ش هوش	ش آتش	ش کشش	ش شور، آشوب	شین ۱۷
ص خاص	ص شخص	ص عصر	ص صابون، اصلی	صاد ۱۸

جدول ۱. نشانه‌های خط فارسی  
نشانه‌های اصلی

نام شماره نثناه	آخر	وسط	اول	نام شماره نثناه
که نه به حرف قل و نه به حرف بعد پیشید	که فقط به حرف قل و پیشید	که هم به حرف بعد پیشید	که فقط به حرف بعد پیشید	که هم به حرف بعد پیشید
ا، او، جز، رأس	ا، س، ش ماخذ، مؤمن، متلاطن	ا	ا، ه	همزه ۱
ا	ایست (=توقف ممکن)	-	-	الف*
ب	ب	ب	ب	بار، دیر ۲
پ	پ	پ	پ	پدر، آپارتمان ۴
ت**	ت	ت	ت	تار، رتبه ۵
ث	ث	ث	ث	ثابت، وراثت ۶

\* در فرهنگهای کنونی فارسی حرف اول الفبا را با نشانه مد «آ» یک حرف قرار داده‌اند و ابتدا هم آن را می‌آورند و در آموزش زبان فارسی هم از این شیوه استفاده می‌شود.

\*\* نشانه نوشتاری «ة / ت» در کلمه‌های چون صلوٰه، دایرۃالمعارف، بقیۃالله، سریع‌الحرکة عیناً از عربی وارد خط فارسی شده است.

نها	آخر	وسط	اول	نام	شماره
که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیشید	که فقط به حرف قبل	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیشید	که فقط به حرف بعد پیشید	نا	
و راهرو، دارو، ناو	سو گوهر، آهو، غفو، خوش، خواهر	-	-	وار	۳۱
ه کوه، روزه	هه فقیه، نامه	هه	هه	هه	۳۲
ی بازی، خوی	سی ترشی، تفّی	سیه	یه	ی	۳۳

نها	آخر	وسط	اول	نام	شماره
که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیشید	که فقط به حرف قبل و هم به حرف بعد پیشید	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیشید	که فقط به حرف بعد پیشید	نا	
ض فرض	ضض تبض	ضض حضرت	ضض ضرب، حاضر	ضاد	۱۹
ط افراط	طط بسیط	طط خطاب	طط طناب، باطن	طا	۲۰
ظ حافظ	ظظ حفظ	ظظ نظم	ظظ ظهور، ناظم	ظا	۲۱
ع شجاع	عع طبع	عع مبعد	عع عمل، اعمال	عين	۲۲
غ باغ	غغ بنیع	غغ معز	غغ غذا، کاغذ	غین	۲۳
ف برف	فف ردیف	فف گفتار	فف فصل، دفتر	ف	۲۴
ق ساق	قق حن	قق بقا	قق قند، باقی	قاف	۲۵
ک باک	کک سک	کک سکته	کک کتاب، ساكت	کاف	۲۶
گ بزرگ	گگ بانگ	گگ نگهبان	گگ گل، آگاه	گاف	۲۷
ل دل	لـل عمل	لـل علم	لـل لازم، ناله	لام	۲۸
م نام	ـمـ علم	ـمـ عمل	ـمـ مادر، نامه	میم	۲۹
ن زمان	ـنـ زمین	ـنـ قد	ـنـ نام، لانه	نوون	۳۰

## جدول ۲. نشانه‌های خط فارسی

### نشانه‌های ثانوی

#### املای بعضی از واژه‌ها و پیشوندها و پسوندها

ای (حرف ندا) همیشه جدا از منادا نوشته می‌شود:

ای خدا، ای که

این، آن جدا از جزء و کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

استثنای آنچه، آنکه، اینکه، اینجا، آنجا، و انگهی

همین، همان همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

همین خانه، همین جا، همان کتاب، همان جا

هیچ همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

هیچ یک، هیچ کدام، هیچ کس

چه جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود، مگر در:

چرا، چگونه، چقدر، چطور، چسان

چه همواره به کلمه پیش از خود می‌چسبد:

آنچه، چنانچه، خوانچه، کتابچه، ماهیچه، کمانچه، قباله نامچه

را در همه‌جا جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

چرا در معنای «برای چه؟» و در معنای «آری»، در پاسخ به پرسش

منفی.

شماره	نام نشانه	علام	مثال
۱	روی الف	آ	آرد، مأخذ
۲	زیر (فتحه)	ـ	گرما، ذرچات
۳	پیش (ضمه)	ـ	گندم، غبور
۴	زیر (كسره)	ـ	نگاه، فرستادن
۵	سکون (جزم)	ـ	دل، گرِه
۶	تشدید	ـ	علم، حق مطلب
۷	پای کوتاه روحی‌های غیر ملفوظ	ـ	نامه من
۸	تنوین نصب	ـ، ــ، ـــ	ظاهر، واقعاً، بناءً علی هذا
۹	تنوین رفع	ـ	مضاف الیه
۱۰	تنوین جزء	ــ	عبارهٔ اُخری

تبصره. استعمال نشانه‌های شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ الزامی نیست و این علامات را عمدتاً برای رفع ابهام به کار می‌برند.

## ۲۳ دستور خط فارسی

بیهوده، بیخود، بیراه، بیچاره، بینوا، بیجا  
می و همی همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود:  
می رود، می افکند، همی گوید  
هم همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود، مگر در موارد زیر:  
۱. کلمه بسیط‌گونه باشد:  
همشهری، همشیره، همدیگر، همسایه، همین، همان، همچنین، همچنان  
۲. جزء دوم تک‌هنجایی باشد:  
همدرس، همنگ، همکار، همراه  
در صورتی که پیوسته‌نویسی «هم» با کلمه بعد از خود موجب دشوارخوانی  
شود، مانند همصنف، همصور، همتیم جدانویسی آن مرجح است.  
۳. جزء دوم با مصوبت «آ» شروع شود:  
همایش، هماورد، هماهنگ  
در صورتی که قبل از حرف «آ» همزه در تلفظ ظاهر شود، هم جدا نوشته  
می شود:  
هم آرزو، هم آرمان  
تبصره: هم، بر سر کلماتی که با «الف» یا «م» آغاز می شود، جدا نوشته  
می شود:  
هم اسم، هم مرز، هم مسلک  
ترو و ترین همواره جدا از کلمه پیش از خود نوشته می شود، مگر در:  
بهتر، مهتر، کهتر، بیشتر، کمتر  
ها (نشانه جمع) در ترکیب با کلمات به هر دو صورت (پیوسته و جدا) صحیح  
می باشد:  
کتابها/ کتاب‌ها، باغها/ باغ‌ها، چاهها/ چا‌ها، کوهها/ کوه‌ها، گرهها/  
گره‌ها  
اما در موارد زیر جدانویسی الزامی است:  
۱. هرگاه ها بعد از کلمه‌های بیگانه ناماؤس به کار رود:  
مرکاتولیست‌ها، پزیتیویست‌ها، فرمالیست‌ها  
۲. هنگامی که بخواهیم اصل کلمه را برای آموزش یا برای برگسته‌سازی

## ۲۲ دستور خط فارسی

که جدا از کلمه پیش از خود نوشته می شود:  
چنان‌که، آن‌که (=آن‌کسی‌که)  
استثنای بلکه، آنکه، اینکه  
ابن، حذف یا حفظ همزه این کلمه، وقتی که بین دو علام (اسم خاص اشخاص)  
واقع شود، هردو صحیح است:  
حسین بن علی /حسین ابن علی؛ محمدبن‌زکریای رازی /محمدابن زکریای  
رازی؛ حسین بن عبدالله بن سینا /حسین ابن عبدالله ابن سینا  
به در موارد زیر پیوسته نوشته می شود:  
۱. هنگامی که بر سر فعل یا مصدر باید (همان‌که اصطلاحاً «بای زینت» یا  
«بای تأکید» خوانده می شود):  
یگفتم، بروم، بنماید، یگفتن (=گفتن)  
۲. به صورت بدین، بدان، بدرو، بدیشان<sup>۱</sup> به کار رود.  
۳. هرگاه صفت بسازد:  
بخرد، بشکوه، بهنچار، بنام  
به در سایر موارد جدا نوشته می شود:  
به برادرت گفتم، به سربردن، به آواز بلند، به سختی، منزل به منزل،  
به نام خدا  
تبصره: حرف «به» که در آغاز بعضی از ترکیب‌های عربی می‌آید از نوع  
حرف اضافه فارسی نیست و پیوسته به کلمه بعد نوشته می شود:  
بعینه، بنفسه، برأی‌العين، بشخصه، مابازاء، بذاته  
هرگاه «بای زینت»، «تون نقی»، «هیم نهی» بر سر افعالی که با الفی مفتح یا  
مضموم آغاز می‌شوند (مانند انداختن، افتادن، افکنند) باید، «الف» در نوشتن  
حذف می شود:  
بینداز، نیفتاد، می‌فکن  
بی همیشه جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود، مگر آنکه کلمه بسیط‌گونه  
باشد، یعنی معنای آن دقیقاً مرکب از معانی اجزای آن باشد:  
۱. گونه قدیمی حرف اضافه «به» فقط در کلمات بدین، بدان، بدرو، بدیشان باقی مانده است.

## ۲۵ دستور خط فارسی

مجموعه ام، ای، است، ...

صورتهای متصل فعل «بودن» در زمان حال (ام، ای، است، ایم، اید، اند)، به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

مثال	صامت میانجی	صامت مختوم به	کلمات مختوم به
خشنود است	خشنودم	-	صامت منفصل
خشنودند	خشنودید	-	
رهو است	رھرم	«و» با صدایی نظیر آنچه در	
رھرونند	رھرید	«رھرم» به کار رفته است	
پاک است	پاکم	-	صامت متصل
پاکانند	پاکید	پاکیم	
دانانست*	دانایم	«ی»	و آه
دانایند	دانایید <sup>۱</sup>	-	
داننجوست*	داننجویم	«ی»	«و» با صدایی نظیر آنچه در «داننجو»
داننجویند	داننجویید	-	به کار رفته است
توام	توای / تویی	همزه	«و» با صدایی نظیر آنچه در «تو»
تواند	توایم (دساکارمند) مترواید <sup>۲</sup>	-	به کار رفته است
خسته است	خسته ام	همزه	«ی» (های غیرملفوظ)
خسته اند	خسته ایم	-	
تیزی است	تیزی ام	همزه	«ای»
تیزی اند	تیزی اید	-	
کاری است	کاری ام	همزه	
کاری اند	کاری اید	-	و آی

\* کلمه‌های ستاره‌دار در این جدول از قاعده مستثنی هستند.

- چنانچه کلمه‌ای مختوم به مصوت باشد و جزو پس از آن نیز با مصوت آغاز شده باشد، می‌توان در فاصله میان دو مصوت از دو نوع صامت میانجی (با ارزش یکسان) استفاده کرد: یکی صامت «ی» و دیگری صامت «همزه»؛ نظیر داناید / داناید؛ زیبایی / زیبائی؛ تنهایی / تنهائی، که در بعضی همزه غلبه دارد و در بعضی دیگر «ای» و از کلمه‌ای به کلمه دیگر فرق می‌کند. در اینجا، برای حفظ یکدستی و سهولت آموزش، صامت میانجی «ای» انتخاب شده است.
- چون «تواید» معنا ندارد، «مترواید» آورده شد.

## ۲۴ دستور خط فارسی

مشخص کنیم:

کتاب‌ها، باغ‌ها، متندن‌ها، ایرانی‌ها

۳. هرگاه کلمه پر دندانه (بیش از سه دندانه) شود و یا به «ط» و «ظ» ختم شود:

پیش‌بینی‌ها، حساسیت‌ها، استنباط‌ها، تلفظ‌ها

۴. هرگاه جمع اسامی خاص مدنظر باشد:

سعدی‌ها، فردوسی‌ها، مولوی‌ها، هدایت‌ها

۵. کلمه به‌های غیرملفوظ ختم شود:

میوه‌ها، خانه‌ها

یا به‌های ملفوظی ختم شود که حرف قبل از آن حرف متصل باشد:

سفیه‌ها، فقیه‌ها، پیه‌ها، به‌ها

## یای نکره و مصدری و نسبی

یای نکره (همچنین یای مصدری و نسبی) در حالات گوناگون به صورتهای زیر نوشته می شود:

مثال	صامت میانجی	كلمات مختوم به
برادری	-	صامت منفصل
کتابی	-	صامت منفصل
		دو، با صدایی نظری آنجه در «درهرو»
رهروی	-	به کار رفته است
خانه‌ای	همزه	دـےـهـاـیـ (های غیرملفوظ) <sup>۱</sup>
تیزی‌ای	همزه	دـایـهـ
کشی‌ای	همزه	دـایـهـ
		دو، با صدایی نظری آنجه در «رادیو»
رادیویی	دـیـ	به کار رفته است
دانایی	دـیـ	دـآـهـ
		دو، با صدایی نظری آنجه در «دانشجو»
دانشجویی	دـیـ	به کار رفته است

۱. های غیرملفوظ، در الحال ب «یای مصدری»، حذف می شود و «گی» میانجی به جای آن می آید: بندگی، در چند کلمه، های غیرملفوظ در الحال ب «یای نسبت» اضافه و «گی» میانجی اضافه شده است: «خانگی»، «همبیشگی»، «هفتگی».

## ضمایر ملکی و مفعولی

ضمایر ملکی و مفعولی<sup>۱</sup> [ـم، ـت، ـش، ـمان (مان)، ـتان (تان)، ـشان (شان)] در حالاتِ ششگانه، همراه با واژه‌های پیش از خود به صورتهای زیر نوشته می شود:

مثال	صامت میانجی	كلمات مختوم به
برادرش	-	صامت منفصل
برادرمان	برادرش	برادرش
کتابش	کتاب	-
کتابمان	کتابش	-
رهروش	رهروت	دو، با صدایی نظری آنجه در «درهرو»
رهرومان	رهروش	درهروش
پایش	پایت	دـآـهـ
پایشان	پایمان	دو، با صدایی نظری آنجه در «درهرو» به کار رفته است
عمویم	عمویت	(دـیـهـ)
عمویشان	عمویمان	دو، با صدایی نظری آنجه در «عمویم» به کار رفته است
خانه‌اش	خانه‌ام	دـےـهـاـیـ (های غیرملفوظ) پیش از ضمایر ملکی مفرد
خانه‌مان	خانه‌دان	شمایر ملکی مفرد
بسـاش	بسـام	دـایـهـ
بسـمان	بسـنان	دـایـهـ پیش از ضمایر ملکی مفرد
کشـشـاش	کشـشـام	دـایـهـ پیش از ضمایر ملکی مفرد
کشـشـمان	کشـشـشـان	دو، با صدایی نظری آنجه در «رادیو»
رادـیـوـات	رادـیـوـام	به کار رفته است پیش از ضمایر ملکی مفرد
رادـیـوـشـان	رادـیـوـشـان	

۱. در دستورهای اخیر زبان فارسی، به جای اصطلاحاتی نظری «ضمیر ملکی» یا «ضمیر مفعولی»، اصطلاح «ضمیر شخص منفصل» به کار می رود.

۲. این «دـیـ» ممکن است در مواردی حذف شود. در تداولِ عامه «باباـم» به جای «باباـیـم» گفته می شود. در ادبیاتِ داستانی هم، زمانی که نویسنده زبان گفتار را ضبط می کند، وضع به همین مตول است. در شعر به ضرورتِ شعری این حذف صورت می گیرد، مثلاً استعمال «بازوت» به جای «بازویت» در این مصراع: «آفرین بـرـ دـستـ و بـرـ بازـوتـ بـادـ».

۳. در محاوره، اصولاً همزه و مصوت آغازی حذف می شود، مثلاً گفته می شود «رادیوم خراب شد» و نه «رادیوام خراب شد».

## نشانه همزه<sup>۱</sup>

### همزة میانی

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد، روی کرسی «ا» نوشته می‌شود، مگر آنکه پس از آن مصوّت «ای» و «او» و «ی» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می‌شود:

رأفت، تأسف، تلاؤ، مأوس، شأن

رئيس، لثيم، رنوف، مئونت، مطمئن، مشمئز

تبصره: در کلمات عربی بر وزن «مُتَقَعِّل» نظری متاثر، متاخر، متائم که در تداول، اولین فتحه آنها به کسره تبدیل شده، همان صورت عربی آن ملاک قرار گرفته است.

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد، روی کرسی «و» نوشته می‌شود، مگر آنکه پس از آن مصوّت «او» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته

می‌شود:

رؤيا، رؤسا، مؤسسه، مؤذن، مؤثر، مؤانت

شئون، رئوس

<sup>۱</sup> گاهی، خصوصاً در خوشنویسی، در زیر همزه پایانی «ء»، بدون اینکه به کلمه دیگری اضافه شده باشد، علامتی شبیه کسره می‌گذارند که صحیح نیست.

### کسره اضافه

نشانه کسره اضافه در خط آورده نمی‌شود، مگر برای رفع ابهام در کلماتی که دشواری ایجاد می‌کنند:

اسپ سواری / اسب سواری

- کلماتی مانند رهرو، پرتوا، جلو، در حالت مضاف، گاهی با صامت میانجی «ی» می‌آید، مانند «پرتوى آفتاب» و گاهی بدون آن، مانند «پرتوا آفتاب». آوردن یا نیاوردن صامت میانجی «ی» تابع تلفظ خواهد بود.

- برای کلمات مختوم به های غیرملفوظ، در حالت مضاف، از علامت «ء» استفاده می‌شود:

خانة من، نامة او

- «ى»، در کلمه‌های عربی مختوم به «ى» (که «آ» تلفظ می‌شود)، در اضافه به کلمه بعد از خود، به «الف» تبدیل می‌شود:

عیسای مسیح، موسای کلیم، هوای نفس، کُبرای قیاس

<sup>۱</sup> این علامت کوتاه‌شده «ی» است.

## دستور خط فارسی ۳۱

تبصره ۱: کلماتی مانند انشاء، املاء، اعضاء در فارسی بدون همزة پایانی هم نوشته می شود که صحیح است.

تبصره ۲: هرگاه همزة پایانی ماقبل ساکن (بدون کرسی) یا همزة پایانی ماقبل مفتوح (با کرسی «آ») و یا همزة پایانی ماقبل مضموم (با کرسی «او») به یای وحدت یا نکره متصل شود، کرسی «ی» می گیرد و کرسی قبلی آن نیز حفظ می شود.

جزئی، شبیه، منشائی، تولوئی

راهنمای کتابت همزة، در صفحات بعد، در جدول شماره<sup>۳</sup>، ارائه شده است.

## دستور خط فارسی ۳۰

ج) اگر حرف پیش از آن مفتوج یا ساکن و پس از آن حرف «آ» باشد، به صورت آ/آنوشته می شود:  
ماخذ، لآلی، قرآن، مرآت

در بقیه موارد و در کلیه کلمات دخیل فرنگی با کرسی «ی» نوشته می شود:  
لشام، رئالیست، قرانات، استثنات، مسئول، مسئله، جرئت، هیئت،  
لثون، سثول، ثاثر، ثرون<sup>۱</sup>  
استثنا: توأم

همزة پایانی

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوج باشد (مانند همزة میانی ماقبل مفتوج)، روی کرسی «آ» نوشته می شود:  
خلأ، ملأ، مبدأ، منشا، ملجا

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد (مانند همزة میانی ماقبل مضموم)، روی کرسی «او» نوشته می شود:  
لولو، تلألو

ج) اگر حرف پیش از آن مکسور باشد، روی کرسی «ای» نوشته می شود:  
متلأن<sup>۲</sup>

د) اگر حرف پیش از آن ساکن یا یکی از مصوّتهاي بلند «آ» و «او» و «ای» باشد، بدون کرسی نوشته می شود:  
جزء، سوء، شیء، بُطْه، بِطْه، سماء، ماء، املاء، انشاء<sup>۳</sup>

۱. کلمه هیدروژن گاهی تیدروژن نوشته می شود که صحیح نیست.

۲. کلمه منشی در اصل منشین بوده است که در فارسی «ه» به «ی» بدل شده است.

۳. همزة پایانی بدون کرسی در کلمات انشاء، املاء، اعضاء، در فارسی، در اضافه به کلمه بعد از خود، غالباً حذف می شود و به جای آن «ی» میانجی می آید، مانند انشای خوب، اعضای بدن، ولی حفظ همزة آن هم صحیح است: انشاء خوب، اعضاء بدن.

۱۰۰	بدون کرسی	کرسی «ب»		کرسی «ا»	
		«آ، آ»	«و، سـ»	«آ، آ»	«آ، آ»
جرئت	مؤلف			خلا	
دنائت	مؤمن			رأس	
دوئل	مؤئلث			رأي	
رافائل	مؤول			سبأ (قرآنی)	
رئالیست	مؤید			شأن	
رئالیسم				مأثور	
رتوس				مأجور	
رنوف				مأخذ	
رئيس				مأخوذ	
ژوئن				مأدون	
ژئوفیزیک				مأكول	
ستانس				مألف	
ستول				مأمن	
سوئد				مأمور	
سینات				مانوس	
شانول				ماوا	
شنون				مايوس	
قرائن				مبداً	
قرائنات				متأثر	
کاکاون				متأخر	
کلثوباترا				متاذی	
لانوس				متائم	

جدول ۳. راهنمای کتابت همزه

۱۰۰	بدون کرسی	کرسی «ب»		کرسی «ا»	
		«آ، آ»	«و، سـ»	«آ، آ»	«آ، آ»
بُطه	الخلاف	تلاؤ	قرآن	بأس	
بَطْه	ارائه	روسا	لآلی	تأثير	
جزء	اسايه	رؤيا	مال	تأخر	
سوء	استثناءات	رؤيت	مرأت	تأخير	
شيء	استثنائي	سؤال	مأخذ	تأدب	
ضوء	القاتات	فزاد	مأثر	تأذی	
فيه	اورلثان	لوز	منتشرات	تأسف	
ماء	ایدئالیسم	لزوم	مآب	تأسیس	
	بشاتریس	مؤالفت	مارب	تأكيد	
	بشر	مؤانت		تألف	
	پرومتشوس	مؤتلف		تأليف	
	بنگوشن	مؤتمن		تأمل	
	تبرئه	مؤثر		تأمين	
	تحطّه	مؤذب		تأني	
	تثاتر	مؤذى		تأنيت	
	تشودور	مؤذن		تأويل	
	توطنه	مؤسس		تفال	
	جزئی	مؤسسه		تلاؤ	
	سوئی	مؤکد		نعم	

## واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذه از عربی

«ة» در واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذه از عربی به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. اگر در آخر کلمه تلفظ شود، به صورت «ت» نوشته می‌شود:

رحمت، جهت، قضات، نظارت، مراقبت، برائت

به استثنای صلوٰة، مشکوٰة، زکوٰة، رحمة الله عليه (در جایی که مراعات رسم الخط قرآنی این کلمات در نظر باشد).

۲. اگر در آخر کلمه تلفظ نشود، به صورت «هه» (های غیر ملفوظ) نوشته می‌شود:

علاقة، معاينه، نظارة، مراقبه، آتیه

و در این حالت از قواعد مربوط به «های» غیر ملفوظ تبعیت می‌کند

علاقة‌مند، نظارگان، معاينة بیمار، مراقبه‌ای

۳. در ترکیبات عربی رایج در فارسی، مانند کاملة الوداد، ليلة‌القدر، ثقة‌الاسلام، خاتمة‌الامر، دائرة‌المعارف، معمولاً به صورت «ة/ة» نوشته می‌شود، اما گاهی در بعضی از ترکیبات، مانند حجت‌الاسلام و آیت‌الله، به صورت «ت» می‌آید که آن هم درست است.

بدون کرسی	کرسی (هه)	کرسی (هه)	کرسی (هه)
(هه)	(هه، هه)	(هه، هه)	(هه، هه)
لثام، لثيم			متأنّل
لنون			متأنّل
لوئى			متلائى
مائومائو			مستأصل
مسائل			ملا
مسئول			ملجا
مثونت			منشا
مرثوس			نبأ (قرآنی)
مرثى			يأس
مشمثز			
ناپلشون			
نشه			
نششت			
نوئل			
ثنون			
ويدئو			
هيشت			

## ۳۶ دستور خط فارسی

«و» که در برخی از کلمه‌های عربی، مانند زکوٰة، حیوٰة، مشکوٰة، صلوٰة به صورت آٰ تلفظ می‌شود، در فارسی (جز در مواردی که رعایت رسم الخط قرآنی این‌گونه کلمات مورد نظر باشد) به صورت «الف» نوشته می‌شود.<sup>۱</sup>

زکات، حیات، مشکات، صلات

تبصره: کلمه‌هایی مانند زکوٰة، مشکوٰة، صلوٰة (اگر به این صورت نوشته شده باشد)، در اضافه به «ای» نسبت یا وحدت، با «ا» و «ت» نوشته می‌شود: زکاتی، مشکاتی، صلاتی، حیاتی

«الف کوتاه» همیشه به صورت «الف» نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

۱. الی، علی، حتی، اولی، اولی

۲. اسمهای خاص:

عیسی، یحیی، مرتضی، مصطفی، موسی، مجتبی

تبصره: واژه‌هایی مانند اسماعیل، هرون، رحمن که در رسم الخط قرآنی به این صورت نوشته می‌شود در فارسی با «الف» نوشته می‌شود: اسماعیل، هارون، رحمان. بعضی کلمات از قاعدة فوق مستثناست الهی، اعلیحضرت...

۳. ترکیباتی که عیناً از عربی گرفته شده است:

اعلام‌الهدی، بدرالدّجی، طوبی‌لک، لائِدُولاثَّخْصَّی، سِدَرَةُ الْمُنْتَهَی، لاثَّخْصَّی (صیغه‌های فعلی)

- اسمی سوره‌های قرآن (مانند یس، طه، ...) به شکل مضبوط در قرآن نوشته می‌شود، اما در کلماتی مانند یاسین، آل طها و ... قاعدة تطابق مکتوب و ملفوظ رعایت می‌شود.

۱. اسمی خاص در متون قدیم و نام خانوادگی اشخاص، اگر با املای عربی ثبت شده باشد، به همان شکل حفظ می‌شود: مشکوٰة الدّینی، حیوٰة الحیوان و اگر با املای فارسی ثبت شده باشد به صورت رحمت‌الله، حشمت‌الله نوشته می‌شود.

## تنوین، تشدید، حرکت‌گذاری هنجای میانی «-وو-

آوردن تنوین (در صورتی که تلفظ شود) در نوشته‌های رسمی و نیز در متون آموزشی الزامی است. تنوین به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. تنوین نصب: در همه جا به صورت «ا/ا» نوشته می‌شود:  
واقعاً، جزناً، موقتاً، عجالتاً، نتیجتاً، مقدمتاً، طبیعتاً، عمدآ، ایدآ<sup>۱</sup>

تبصره ۱: کلمه‌های مختوم به همزه، مانند جزء، استثناء، ابتداء، هرگاه با تنوین نصب همراه باشد، همزه آنها روی کرسی «ی» می‌آید و تنوین روی «الف» بعد از آن قرار می‌گیرد: جزناً، استثنائاً، ابتدائاً.

تبصره ۲: تاء عربی «ة / ة»، اعم از آنکه در فارسی به صورت «ت» یا «ه / ه» (های غیرملفوظ) نوشته یا تلفظ شود، در تنوین نصب، بدل به «ت» کشیده می‌شود و علامت تنوین روی الفی قرار می‌گیرد که پس از «ت» می‌آید، مانند نتیجتاً، موقعاً، نسبتاً، مقدمتاً، حقیقتاً.

۲. تنوین رفع و تنوین جر: در همه جا به صورت «- و -» نوشته می‌شود و فقط

۱. اگر بخواهیم بی‌تنوین خوانده شود: مطلقاً، اصلاً، ابدآ.

در ترکیبات مأخوذه از عربی که در زبان فارسی رایج است به کار می‌رود:  
مشاریلیه، مضاف‌الیه، منقول‌عنه، مختلف‌فیه، متفق‌علیه  
عبارة‌آخری، اباعن‌جد، بائی‌نحویکان

گذاشتن تشدید همیشه ضرورت ندارد مگر در جایی که موجب ابهام و التباس شود که یکی از مصاديق آن هم‌نگاشته است<sup>۱</sup>:  
معین/معین؛ علی/علی؛ دوار/دوار؛ گره/گره؛ بنا/بنا  
تبصره: در متون آموزشی برای نوآموزان و غیرفارسی‌زبانان و نیز در استناد و متون رسمی دولتی، گذاشتن تشدید در همه موارد ضروری است.

حرکت‌گذاری تنها در حدی لازم است که احتمال بدخوانی داده شود:  
عرضه/عرضه؛ حرف/حرف؛ بُزد/بُزد؛ سَرچشمَه/سرچشمَه

واژه‌های دارای هجای میانی «-وو-» با دو واو نوشته می‌شود:  
طاووس، لهاور، کیکاووس، داود  
تبصره ۱: نوشتن «داود» با یک واو به تبعیت از رسم الخط قرآنی بلامانع است.  
تبصره ۲: در مورد نام شخص، ضبط نهادی شده (مطابق شناسنامه) اختیار می‌شود:  
کاووس، کاووسی.

## ترکیبات\*

در باب پیوسته‌نویسی و یا جدانویسی ترکیبات در زبان فارسی سه فرض قابل تصور است:

۱. تدوین قواعدی برای جدانویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنای.
۲. تدوین قواعدی برای پیوسته‌نویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنای.
۳. تدوین قواعدی برای جدانویسی الزامی بعضی از کلمات مرکب و پیوسته‌نویسی بعضی دیگر و دادن اختیار درخصوص سایر کلمات به نویسنده‌گان. فرهنگستان در تدوین و تصویب «دستور خط فارسی»، فرض سوم را برگزیده و تنها موارد الزامی جدانویسی و یا پیوسته‌نویسی را به شرح زیر معین کرده است:

الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شود

۱. کلمات مرکبی که از ترکیب با پیشوند ساخته می‌شود همیشه جدا نوشته می‌شود، مگر مرکب‌هایی که با پیشوندهای «به»، «بی» و «هم»، با رعایت

\* در اینجا ترکیبات شامل مرکب و مشتق است و به معنای اعم از معنای موردنظر نویسنده‌گان کتابهای دستور زبان به کار رفته است.

۱. هم‌نگاشت: به واژه‌ای اطلاق می‌شود که املای واحد اما دو تلفظ و دو معنی متفاوت دارد.

## ۴۱ دستور خط فارسی

۷. مرکبهاي که جدانوشن آنها التباس يا ابهام معنائي ايجاد كند:  
بهيار (بهيار)، بهروز (بهروز)، بهنم (بهنم)
۸. کلمه هاي مرکبی که جزء دوم آنها تک هجايی باشد و به صورت رسمي يا نيمه رسمي، جنبه سازمانی و اداری و صنفي يافته باشد:  
استاندار، بخشار، کتابدار، آشپز

## ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می شود

۱. تركيبهای اضافی (شامل موصوف وصفت، و مضاف و مضافق آله):  
دستکم، شورای عالی، حاصل ضرب، صرف نظر، سیب زمینی، آب میوه، آب لیمو
۲. جزء دوم با «الف» آغاز شود:  
دل انگیز، عقب افتادگی، کم احساس
۳. حرف پایاني جزء اول با حرف آغازی جزء دوم همانند یا هم مخرج باشد:  
آیین نامه، پاک کن، کم مصرف، چوب بری، چوب پرده
۴. مرکبهاي اتبااعی و نيز مرکبهاي متشكل از دو جزء مكرر:  
سنگين رنگين، پول مول، تک تک، هق هق
۵. مصدر مرکب و فعل مرکب:  
سخن گفتن، نگاه داشتن، سخن گفتم، نگاه داشتم
۶. مرکبهاي که يك جزء آنها کلمه دخيل فرنگي باشد:  
خوش پُز، شيك پوش، پاگون دار
۷. عبارتهاي عربی که شامل چند جزء باشد:  
مع ذلك، من بعد، على هذا، انشاء الله، مع هذا، باري تعالى، حق تعالى، على اى حال

۱. اين التباس ييشتر در يه، که و که (صورت که ييشتر در قدیم و عمدتاً در شعر به کار رفته است) مشاهده می شود: بهزار، کهربا، کهکشان، کهگل، کهربیز، کهسار.

## ۴۰ دستور خط فارسي

استثناهایی، ساخته می شود و احکام آن در «املای بعضی از واژه ها و پیشوندها و پسوندها» (ص ۲۲ و ۲۳) آمده است.

۲. کلمات مرکبی که از ترکیب با پسوند ساخته می شود همیشه پیوسته نوشته می شود، مگر هنگامی که:

الف) حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم یکسان باشد:  
نظام مند، آب بان

ب) جزء اول آن عدد باشد:

پنج گانه، ده گانه، پانزده گانه  
استثنای بیستگانی (واحد پول)

تبصره: پسوند «وار» از حیث جدا و یا پیوسته نویسی تابع قاعده‌ای نیست، در بعضی کلمه‌ها جدا و در بعضی دیگر پیوسته نوشته می شود:

طوطی وار، فردوسی وار، طاووس وار، پری وار  
بزرگوار، سوگوار، خانوار

۳. مرکبهاي که بسيط گونه است:  
آبرو، القبا، آبشار، نیشکر، رختخواب، یکشنبه، پنجشنبه، سیصد، هفتصد، یکتا، بیستگانی

۴. جزء دوم با «آ» آغاز شود و تک هجایی باشد:  
گلاب، پساب، خوشاب، دستاس

تبصره: جزء دوم، اگر با «آ» آغاز شود و بيش از يك هجا داشته باشد، از قاعده‌ای تبعیت نمی کند: گاهی پیوسته نوشته می شود، مانند دلاویز، پیشاهنگ، بسامد، و گاهی جدا، مانند دانش آموز، دل آگاه، زیان آور.

۵. هرگاه کاهش یا افزایش واجی یا ابدال یا ادغام و مرج یا جایه جایی آویی در داخل آنها روی داده باشد:

چنو، هشیار، ولنگاری، شاهسپیر، نستعلیق، سکنجین  
۶. مرکبی که دست کم يك جزء آن کاربرد مستقل نداشته باشد:

غمخوار، رنگرز، کهربا

## ۴۳ دستور خط فارسی

۱۴. جزء آغازی یا پایانی آن بسامد زیاد داشته باشد:  
نیکبخت، هفتپیکر، شاهنشین، سیهچشم
۱۵. هرگاه با پیوسته‌نویسی، اجزای ترکیب معلوم نشود و احیاناً ابهام معنایی پدید آید:  
پاک‌نام، پاک‌دامن، پاک‌رای، خوش‌بیاری

## ۴۲ دستور خط فارسی

- تبصره: هر دو صورت نوشتاری «باسم‌هه تعالی» و «بسم‌هه تعالی» جایز است.
۸. یک جزء از واژه‌های مرکب عدد باشد:  
پنج‌تن، هفت‌گنبد، هشت‌بهشت، تُفلک، ده‌چرخه
- تبصره: به استثنای عدد یک، که بسته به مورد و با توجه به قواعد دیگر، با هر دو املاً صحیح است:  
یکسویه / یکسویه؛ یکشبه / یکشبه؛ یکسره / یکسره؛ یکپارچه / یکپارچه
۹. کلمه‌های مرکبی که جزو اول آنها به های غیرملفوظ ختم شود (های غیرملفوظ در حکم حرف منفصل است):  
بهانه‌گیر، پایه‌دار، کناره‌گیر
- تبصره: کلمه‌هایی مانند تشنگان، خفتگان، هفتگی، بچگی که در ترکیب، های غیرملفوظ آنها حذف شده و به جای آن «گ» میانجی آمده است، از این قاعده مستثناست.
۱۰. کلمه با پیوسته‌نویسی، طولانی یا نامأنس یا احیاناً پردادنده شود:  
عافیت‌طلبی، مصلحت‌بین، پاک‌ضمیر، حقیقت‌جو
۱۱. هرگاه یکی از اجزای کلمه مرکب دارای چندگونه مختوم به حرف منفصل و حرف منفصل باشد، چون جدانویسی گونه یا گونه‌های مختوم به حرف منفصل اجباری است به تبع آن جدانویسی گونه یا گونه‌های دیگر نیز منطقی تر است:  
پابرهنه / پائی‌برهنه؛ پامال / پائی‌مال
۱۲. یک جزء کلمه مرکب صفت مفعولی یا صفت فاعلی باشد:  
اجل‌رسیده، نمک‌پروردۀ، اخلال‌کننده، پاک‌کننده
۱۳. یک جزء آن اسم خاص باشد:  
سعدی‌صفت، عیسی‌دم، عیسی‌رشته‌مریم بافته

## دستور خط فارسی ۴۵

- رواج ضبط: مثلاً صورتهای آذوقه، حوله، حلیم، تالار، قداره، قوریاغه و ... به همین اعتبار انتخاب شده است.
- در موارد نادر، بعضی ملاحظات تاریخی و همچنین پرهیز از افزایش تعداد واژه‌هایی که دارای املای واحد اما به دو یا چند معنی است مورد نظر بوده است.
- عموماً ضبط کتابهای درسی، بهویژه دبستانی، ترجیح داده شده است.
- صورت املایی تازه، هرچند مرجح باشد، پیشنهاد نشده است.

ضبط مختار	صورتهای املایی*
آذوقه	آزوقة / آذوقه
آروغ	آروغ / آروق
آقا	آقا / آغا
(کلمه «آقا» امروزه با حرف «ق» نوشته می‌شود، ولی این کلمه در قدیم گاهی لقب زنان بوده و با حرف «غ» به صورت «آغا» نوشته می‌شده است، مانند شادملک آغا، گلین آغا، و گاهی نیز با همین کتابت در مورد مردان به کار می‌رفته است، مانند آقامحمدخان و آغاپاشا. در این موارد خاص، در خط فارسی امروز نیز همان ضبط قدیم رعایت می‌شود.)	
اتاق	اتاق / اطاق
اتو / اطرو	اتو / اطرو

\* واژه‌هایی که حرف آغازی آنها دارای دو گونه نوشتاری است، برای سهولت مراجعه، فقط ذیل حرفی آورده شده که اگر می‌خواستیم آن کلمه را به فارسی سره بنویسیم با آن حرف می‌نوشتیم، به جز کلماتی که با دو حرف «ق» و «غ» آغاز می‌شود که ذیل حرف «ق» آورده شده است.

## واژه‌هایی با چند صورت املایی

در فارسی کلماتی وجود دارد که دارای دو یا چند صورت املایی مضمبوط است. مراد واژه‌هایی است که در کتابت آنها حروف هم‌وا (ا/ع؛ ت/ط؛ ث/س؛ ص؛ ح/ه؛ ذ/ز؛ ض/ظ؛ غ/ق) به کار رفته باشد. فهرست این واژه‌ها و ضبط پیشنهادی برای آنها، به تفکیک عام و خاص، به شرح زیر است:

### فهرست واژه‌هایی دارای دو یا چند صورت املایی با ضبط مختار

در این فهرست فقط واژه‌هایی درج شده است که دارای دو یا چند صورت املایی ضبط شده باشد و علاوه بر آن در زبان فارسی امروز به کار رود، یا واژه‌هایی چون نامهای گیاهان و جانوران و خوراکها و داروها و نظایر آنها که کاربرد فراوان دارد.

واژه‌های مهجور یا متروک در فهرست نیامده است. این‌گونه واژه‌ها از هر متنی با ضبط همان متن نقل می‌شود.

در مواردی که ضبط کلمه یا اسمی (اعم از اسم شخص یا محل جغرافیایی) با ضبط مختار آن کلمه یا اسم متفاوت باشد، در متنون تاریخی و قدیمی همان ضبط قدیم نوشته می‌شود.

در ضبط واژه‌ها، ضوابط زیر به ترتیب اولویت رعایت شده است:

## ۴۷ دستور خط فارسی

ضبط مختار	صورتهای املایی
تاغ	تاغ / تاق (نام درختچه)
طاق	تاق / طاق
تاق	تاق / طاق (در مقابل جفت)
طاقدیس	تاقدیس / طاقدیس
تالار	تالار / طالار
تاول	تاول / طاول
تایر	تایر / طایر (چرخ ماشین)
تباسیر	تباسیر / طباسیر
تبرخون / طبرخون	تبرخون / طبرخون
تبرزد / طبرزد	تبرزد / طبرزد
تبرzin	تبرzin / طبرزین
پانچه	پانچه / طپانچه
تپیدن	تپیدن / طپیدن
(مشتقات آن نیز با «ت» نوشته می شود)	
پیق	پیق / طپیق / پیغ
تُماج	تُماج / طُطماج (نام نوعی آش)
تراز (= تراز آبی)	تراز / طراز
طراز (= نگار جامه)	تراز / طراز
(همجنین در عبارتی مثل «طراز اول» به معنای «دارای مقام اول»)	
هم تراز و هم طراز هردو صحیح است.	
ترخون	ترخون / طرخون
ترقه	ترقه / طرقه
تشت / طشت	تشت / طشت
تغار	تغار / طغار
طوبیقا	توبیقا / طوبیقا
توفان / طوفان	توفان / طوفان

ضبط مختار	صورتهای املایی
اختاپوس	اختاپوس / اختاپوٹ
اسطبل	اسطبل / اصطبل
اسطرلاب	اسطرلاب / اصطرلاب
افستین	افستین / افستین
آلمنشگه	آلمنشگه / علم شنگه
امپراتور	امپراتور / امپراطور
امپراتریس	امپراتریس / امپراطیریس
أتراق	أتراق / اطراق
	ب
باباگوری	باباگوری / باباگوری
باتری / باطروی	باتری / باطروی
باتلاق / باطلاق	باتلاق / باطلاق
با جناغ / با جناق	با جناغ / با جناق
بغچه / بقچه	بغچه / بقچه
بلغور / بلقرور	بلغور / بلقرور
بلیت / بليط	بلیت / بليط
	پ
پاتوق	پاتوق / پاتوغ
	ت
ترق و توروق / تاراغ و توروغ	ترق و توروق / تاراغ و توروغ
طارم / طارم	طارم / طارم
تببور / طببور	تببور / طببور
طاس / طاس	طاس / طاس
تاس کباب / طاس کباب	تاس کباب / طاس کباب

## ۴۹ دستور خط فارسی

ضبط مختار	صورتهای املایی
قُدُّد	قدُّد / گُدُّد
غَدْغَن	قدْغَن / غَدْغَن / غَدْقَن
قراقروت	قراقروت / قراقروط
قرتی	قرتی / غرتی
قرشمآل	قرشمآل / غرشمال
فُرْق	فُرْق / غُرْق
قورمه	قورمه / غرمه / قورمه
قروش	قروش / غروش
قَزْقَان	قَزْقَان / قَزْغَان
	(گونه‌های دیگر: قازغان / قازقان، غرغن / قرغن)
قشقرق	قشقرق / غشغرق
قشلاق	قشلاق / قشلاع
	(گونه‌های دیگر: قيشلاق / قيشلاع)
قفس	قفس / ققص
قُلْب	قُلْب / گُلْب
قلنبه	قلنبه / غلنبه
قلیان	قلیان / غلیان
قورباغه	قورباغه / غورباغه
قورت	قورت / غورت
قوطی	قوطی / قوتو
قیفاج	قیفاج / غیفاج
قیماق	قیماق / قیماع
	ل
لاتاری	لاتاری / لاطاری
لت	لت / لغ
لت و لوق	لتولوق / لغولوغ

## ۴۸ دستور خط فارسی

ضبط مختار	صورتهای املایی
چارق	چارق / چارغ
چلغوز	چلغوز / چلقوز
	خ
خطمی	خطمی / خطمی (گل)
دوقلو	دوقلو / دوغلو
	ذ
زغال	زغال / ذغال
	س
سوغات	سوغات / سوقات
	غ
غلتیدن	غلتیدن / غلطیدن
	(همجنب مشتقات آن مثل «غلتان، «غلنک»، «بام غلتان»)
	ق
قاتی	قاتی / قاطی
قاروپور	قاروپور / غاروپور
قباد	قباد / غباد (نام ماهی)
قدّاره	قدّاره / غدّاره

## دستور خط فارسی ۵۱

فهرست آعلام دارای دو یا چند صورت املایی با ضبط مختار

## ضبط مختار

## صورتهای املایی

۱/۱

آفاخان	آفاخان / آفاخان
آغازجری	آغازجری / آغازجری
آلادغ	آلادغ / آلاداق
أُترار	أُترار / أطرار
اتریش	اتریش / اطریش
استهبانات / اسطهبانات / اصطهبانات <sup>۱</sup>	اصطهبانات
استخر / اسطخر / اصطخر	استخر / اسطخر / اصطخر
ایتالیا	ایتالیا / ایطالیا
ایذه	ایذه / ایزه

ب

باطروم	باتوم / باطروم
بوزرجمهر	بوزرجمهر / بوزرجمهر

پ

پترکبیر	پترکبیر / پطرکبیر
پترزبورگ	پترزبورگ / پطرزبورگ

ت

تائیس	تائیس / طائیس
تاب	تاب / طاب
(نام روید که از کهکلوبه سرچشمه می‌گیرد)	

۱. وزارت کشور، در نسبیات کشوری، «استهبان» را به جای «استهبانات» برگزیده است.

## دستور خط فارسی ۵۰

## صورتهای املایی

## ضبط مختار

لائق

لوطی

م

ملات / ملاط

ن

ناسور / ناصر

نسطوری / نستوری

یقیق / ینغیغ

نفت / نفط

نفتالین / نفطالین

و

ورقلمبیدن / ورقلمبیدن

وقوق / وغوغ

ه

حليم

حوله

هیز

هليم / حليم

هوله / حوله

هیز / حیز

ی

یاتاقان / یاطاقاق

یالقوز / یالغووز

یورقه / یورغه / یورقه / یورغه

یغور / یقور

ضبط مختار	صورتهای املایی	ضبط مختار	صورتهای املایی
خاف	خوف / خاف	طازم	تارم / طارم
ز	ز	تالش / طالش	تالش / طالش
زنون	زنون / ذنن	تایباد	تایباد / طایباد
س	س	تبرک	تبَرک / طَبَرک
ساوجبلاغ	ساوجبلاغ / ساوجبلاغ	تپور	تپور / طپور
سُغد	سُغد / صُغد	تخار / طخار	تخار / طخار
سقلاب / صقلاب	سقلاب / صقلاب	تخارستان / طخارستان	تخارستان / طخارستان
ش	ش	طرابلس	ترابلس / طرابلس
شبورغان	شبورغان / شبورقان	ترشیز	ترشیز / طرشیز
ع	ع	ترقبه / طرقه*	ترقبه / طرقه*
عیسو	عیسو / عیصو	تسوچ* / طسوچ	تسوچ / طسوچ
ق	ق	توالش / طوالش*	توالش / طوالش
قباد	قباد / غباد	تونس / طوس*	تونس / طوس
قرلنق	قرلخ / قرلنق	طوسی	توسی / طوسی
قرهآغاج	قرهآغاج / قرهآقاج	(طوسی وقتی اسم یا لقب باشد، مانند خواجه نصیرالدین طوسی، فردوسی طوسی، همیشه با «ط» می‌آید).	
ک	ک	تهران	تهران / طهران
کیقباد	کیقباد / کیغباد	تهماسب / طهماسب	تهماسب / طهماسب
ل	ل	تهمورث / طهمورث	تهمورث / طهمورث
لوت	لوت / لوط (کور)	تیسفون	تیسفون / طیسفون
لوط	لوت / لوط (قوم)		
		ج	جابلسا / جابلصا
		خ	ختا / خطا
			* انتخاب وزارت کشور.